

سخنان سارا سالمی نماینده «همبستگی سوسیالیستی با کارگران در ایران» در پنجاه و سومین کنگره سندیکای س. ژ. ت.

سلام به همگی شما!

قبل از هر چیز از س. ژ. ت. به خاطر این دعوت تشکر می‌کنم. من به نمایندگی از طرف انجمن «همبستگی سوسیالیستی با کارگران در ایران» در این اجلاس حضور دارم. این انجمن با «کلکتیو سندیکایی فرانسوی در حمایت از کارگران ایران» متشکل از پنج سندیکای فرانسه از جمله س. ژ. ت.، همکاری می‌کند.

طبیعتاً رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای ترانسپورت تهران و حومه (واحد) که به کنگره قبلی شما دعوت شده بود، بایستی از این تریبون شما را مخاطب قرار می‌داد، اما او از اردیبهشت ۱۴۰۱ در زندان جمهوری اسلامی محبوس است.

سندیکای واحد پیامی خطاب به پنجاه و سومین کنگره س. ژ. ت. فرستاده است که اینک آن را برای شما می‌خوانم

(متن پیام شرکت واحد)

حال به اختصار به وضعیت کنونی ایران اشاره می‌کنم:

خیزش «زن، زندگی، آزادی» پس از شش ماه مبارزه حاد، در برابر سرکوب وحشیانه این روزها فروکش کرده است. مبارزه ای با ۴۶۹ کشته از جمله ۶۰ کودک و نوجوان، بیش از ۱۹۰۰۰ دستگیری، سر به نیست کردن ها، اعمال شکنجه و تجاوز جنسی، ده ها حکم اعدام، ۴ اعدام، ... و موج حمله با گاز سمی به مدارس دخترانه در سراسر کشور، فاجعه ای مصداق جنایت علیه بشریت شمرده می‌شود. اما علیرغم فروکش تظاهرات و اعتراضات طغیانی، خشم مردم در برابر این سرکوب خونین و وخامت بیش از پیش شرایط اجتماعی فزونی می‌گیرد. اراده زنان و مردان به پاخاسته علیه رژیم سرمایه داری دیکتاتوری جمهوری اسلامی آشتی ناپذیر باقی مانده و مبارزات آن‌ها به انحای دیگر کماکان ادامه دارد.

این خیزش ادامه و اوج مبارزاتی است که از دیرباز جریان داشته است. از مهم‌ترین و نزدیکترین این مبارزات می‌توان از جنبش‌های توده‌ای زمستان ۱۳۹۶/۱۳۹۷ و سپس پاییز ۱۳۹۸ یاد کرد که شعار «نان، کار، آزادی» ظنین آن بود. این جنبش ها که در خون سرکوب شدند، بازتاب جان به لب شدن کارگران بیش از حد تحمل استثمار شده و بیکاران نادیده گرفته شده در نظم سرمایه داری اولترا لیبرال افسار گسیخته با حاکمیت یک دیکتاتوری دینی بود. پس از آن شاهد جنبش اجتماعی مزدبگیران و بازنشستگان در سال ۱۴۰۱/۱۴۰۰ با بیش از ۴۰۰۰ اقدام اعتراضی برای مطالبات معیشتی بودیم که موج های متعدد سرکوب و دستگیری فعالان صنفی را به دنبال داشت.

قیام «زن، زندگی، آزادی» موج بی‌سابقه‌ای از همبستگی بین‌المللی را برانگیخت. شکل های سندیکایی، اعم از جهانی یا کشوری، از این خیزش پشتیبانی نموده و سرکوب وحشیانه آن توسط رژیم اسلامی را محکوم کردند از آن جمله: سندیکای س. ژ. ت.، سولیدر، اف اس او، س اف د ت و اونسا در فرانسه، و اتحادیه های کارگری مختلف در آلمان، انگلستان، بنگلادش، کانادا، دانمارک، اسپانیا، ایالات متحده، اندونزی، نروژ، فلسطین، هلند، سوئد، سوئیس، اسلوانی، ... و کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری.

تقریباً همه به جز «فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری». در حالی که این فدراسیون در مورد هر وضعیت بحرانی در جهان قلم می‌زند، سکوت آن در قبال حوادثی که در طول بیش از شش ماه ایران را به لرزه در آورد، مشمئز کننده است. این همان سکوتی است که این سازمان در قبال جنبش پاییز ۱۳۹۸ و سرکوب خونین پس از آن نیز پیشه کرد. اما وقتی به مناسبات حسنه چندین ساله‌ای این سازمان با نمایندگان رژیم اسلامی در ایران آگاه باشیم، دلیل این سکوت همدستانه را درک می‌کنیم.

علیرضا محبوب مسئول «خانه کارگر» در ایران از ماه مه ۲۰۲۲ در جایگاه نایب‌رئیس این فدراسیون سندیکایی قرار گرفته است. فعالیت اصلی «خانه کارگر» همراه با «شوراهای اسلامی» در کارخانجات و مؤسسات، کنترل و سرکوب جنبش کارگری، جلوگیری از تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری، و امضای توافق نامه سالانه حداقل دستمزد فلاکت بار در جریان به اصطلاح «مذاکرات سه جانبه» است. دار و دسته «خانه کارگر» نه حتی یک سندیکای زرد، بلکه یک حزب ایدئولوژیک سیاسی وابسته به رژیم اسلامی است، در مقام نماینده کارگران ایران در فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری عضویت دارد و فرستادگان آن هر سال به کنفرانس سازمان جهانی کار می‌روند، در حالی که نمایندگان سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری در زندان ها محبوسند.

علیرضامحجوب رئیس خانه کارگر و نایب رئیس فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری نه تنها رهبر و هماهنگ کننده سرکوب های کارگری است، بلکه شخصاً در ضرب و شتم فیزیکی فعالان کارگری شرکت داشته است.

چنین وضعیتی در فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری غیرقابل تحمل است.

سخننام را با اشاره به «منشور حداقل مطالبات» که اخیراً توسط بیست سازمان مستقل صنفی و مدنی در ایران تهیه و منتشر شده، به پایان می رسانم. در این منشور مجموعه ای از مطالبات مترقی اجتماعی و سیاسی در ۱۲ ماده گردآوری شده اند. این مطالبات گرچه تنها پس از سرنگونی جمهوری اسلامی می توانند محقق شوند، اما این منشور از هم اکنون محوری است برای ایجاد یک قطب مترقی و اجتماعی چپ در برابر تشکلات سیاسی راست در اپوزیسیون رژیم ایران.

چندین سازمان سندیکایی از جمله س. ژ. ت. و نیز انجمن های مدنی و افراد بسیاری از این منشور حمایت کرده اند. این منشور و متن حمایت از آن در غرفه بین الملل کنگره در اختیار شما است تا در صورت تمایل آن را امضا کنید.

زنده باد مبارزه !

زنده باد س. ژ. ت. !

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران !